

بررسی فقهی و حقوقی سوء رفتار با کودکان در لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان و جایگاه آن در اسناد بین‌المللی

سیدباقر سیدی بنابی*

سیدمرتضی موسوی تبار**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۴

چکیده

اصطلاح «سوء رفتار» یکی از ابداعات مهم قانون‌گذار لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان است که بسیاری از اعمال بر علیه تمامیت جسمانی و روحی و روانی کودکان و نوجوانان را پوشش می‌دهد. قانون‌گذار در این لایحه کوشیده است تا بدعتی نو گذاشته و کلمات و اصطلاحات مربوط را توضیح دهد. لذا در بند ۱ ماده ۱ این لایحه به تعریف اصطلاح سوء رفتار پرداخته و آن را عبارت از «هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد؛ از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوء استفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد یا قراردادن او در شرایط سخت و غیرمتعارف و یا خودداری از کمک به وی» دانسته است. بر این مبنا بررسی جایگاه سوء رفتار در فقه و حقوق از اهمیت خاصی برخوردار بوده و نظر به اهمیت اسناد بین‌المللی راجع به حقوق کودکان، بررسی سوء رفتار در این اسناد نیز ضروری به نظر می‌رسد. متأسفانه تأخیر در تصویب نهایی این لایحه سبب گشته است که ثمره مطالعات فقهی و انتظارات اسناد بین‌المللی در کشور ما به ثمر ننشیند و متأسفانه همه‌روزه شاهد اخبار ناگوار سوء رفتار با کودکان و کودک‌آزاری که گاه منجر به فوت کودکان نیز می‌گردد، باشیم. تصویب نهایی این لایحه با ابداعات خوبی که در آن وجود دارد که یکی از آنها بحث سوء رفتار با کودکان است و تبدیل آن به قانون، باعث خواهد شد تا افراد کودک‌آزار و مجرم، به سزای اعمال خود رسیده و درس عبرتی برای دیگران باشند و راه را برای حمایت بیشتر و بهتر از کودکان که امید آینده کشور هستند فراهم آورد.

واژگان کلیدی: سوء رفتار، حقوق کودکان و نوجوانان، تنبیه بدنی، منع تحصیل.

*استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب.

b.seyedi@bonabiau.ac.ir

**کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب (نویسنده مسؤول).

musavytabar@gmail.com

مقدمه

تمامی ادیان الهی، بشر را بهترین موجود نظام آفرینش دانسته و بر این باورند که پیامبران الهی آمده‌اند تا پیام حریت انسان و جایگاه ویژه او را گوشزد کرده و زمینه رشد و کمال انسان را از گذر تعالیم و آموزه‌های اخلاقی و معنوی فراهم آورند.

در قرآن کریم تصریح شده است که انسان جانشین خداوند در روی زمین بوده،^۱ در بهترین صورت و نظام خلق شده،^۲ صاحب تعقل و تفکر است^۳ و تمام آموزه‌های الهی بر فطرت پاک او نازل شده است.^۴

متأسفانه بر خلاف این جایگاه برجسته، بشر در گذر زمان و قرون متمادی، به جهت فزون طلبی، از روحی استکباری برخوردار گشته و نقض بسیاری از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی را به نظاره نشست است. در این میان، کودک به‌خاطر آسیب‌پذیری فوق‌العاده، همواره در وسط میدان فساد و تباهی و در معرض خطرات و ناگواری‌های گوناگونی چون بهره‌کشی، بردگی و دیگر رفتارهای غیر انسانی بوده است.

به‌عنوان نمونه، بابلیان و مردم روم باستان دختران خود را وقف معابد می‌کردند. این کودکان اکثراً در معرض سوءاستفاده جنسی قرار می‌گرفتند. در رم قدیم کشتن فرزندان حق قانونی والدین بود. اعراب در دوران جاهلیت و پیش از پذیرش اسلام، دختران خود را زنده به‌گور می‌کردند. در چین نیز فروش دختران امری رایج بود (مدنی قهفرخی، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

درک نادرست بشر از کودک و دوران طفولیت و گاهی هم خبیث و ناپاک دانستن آن باعث شده بود که سخت‌ترین برخوردها با کودکان امری عادی و مثبت تلقی شده و به‌دلیل همین نوع نگرش جامعه به کودکان، هرگونه اذیت و آزار و شکنجه آنان امری مجاز تصور می‌شد (پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۱۸).

در میان آیات شریفه قرآن نیز آمده است: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ»

۱. «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/۳۰).

۲. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین/۴).

۳. در آیات بسیاری از قرآن کریم به مسئله عقل و تفکر بشر اشاره شده است مانند: بقره/۲۴۲؛ آل عمران/۶۵ و ۱۸؛ انعام/۳۲.

۴. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم/۳۰).

بَوْلَدِهِ» (بقره/۲۳۳)؛ یعنی، نه مادر حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر. هرچند آیه شریفه در مورد شیر دادن به کودک آمده ولی بر اساس قواعد پذیرفته شده، مورد مخصص نیست (زحیلی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۰۳). بنابراین، آیه شریفه در بیان قاعده‌ای کلی در مورد حدود تکالیف والدین و بلکه کلیه متصدیان امور کودکان نسبت به آنان است. علاوه آن‌که، وقتی پدر و مادر که بیشترین حق را در مورد فرزند خویش دارند، مکلف به عدم ایراد ضرر به کودک خود هستند، دیگران به طریق اولی مکلف به آن خواهند بود (حسینی‌خواه، ۱۳۸۹، ص ۲۳۶).

یکی از مصادیق ضرر زدن به کودکان، سوء رفتار با کودکان و نوجوانان است که لایحه بر آن تأکید می‌کند.

در این مقاله پس از ارائه تعریف «سوء رفتار» و بیان مصادیق آن، تفاوت آن را با اصطلاح «کودک‌آزاری» که در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵ بیان شده است، بررسی خواهیم کرد و بعد از آن جایگاه سوء رفتار در فقه را با تأکید بر یکی از مصادیق مهم آن در فقه یعنی تنبیه بدنی، کنکاش نموده و سپس سوء رفتار را در اسناد بین‌المللی و به‌طور ویژه در دو سند بین‌المللی در حوزه حقوق کودکان بررسی خواهیم نمود. در نهایت نیز مصادیق سوء رفتار را در فصل جرایم و مجازات‌های لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان بیان خواهیم داشت.

لازم به ذکر است که لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان در تاریخ ششم شهریور ۱۳۹۷ در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مطرح و نمایندگان پس از تأیید کلیات و بررسی جزئیات آن، نظر نهایی خود را به شورای نگهبان ارسال نموده‌اند که تا زمان نگارش این مقاله هنوز شورای نگهبان نظر خود را مبنی بر تأیید یا رد آن اعلام ننموده است.

۱. تعاریف و کلیات

۱-۱. تعریف سوء رفتار

بند ت ماده ۱ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، سوء رفتار را چنین تعریف می‌کند: «هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد؛ از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد یا قرارداد او در شرایط سخت و غیرمتعارف و یا خودداری از

کمک به وی».

«سوء» به معنای بدی، شر و زشتی است و جمع آن «اسواء» به معنای غم و اندوه است (معین، ۱۳۸۳، ص ۶۵۷).

«رفتار» نیز به معنای روش، سیره، طرز حرکت و سلوک به کار گرفته می‌شود و سلوک به معنای انجام دادن کار، نحوه و روش انجام کار است (معین، ۱۳۸۳، ص ۵۵۸). پس به نحوه زندگی اشخاص و چگونگی برخوردی که با پدیده‌ها و مسائل اطراف خود دارند سیره و سلوک اطلاق می‌شود و رفتار شخص مجموعه‌ای از افعال، کنش‌ها و تصمیماتی است که به طور دائم و معمول در برابر وقایع خارجی از خود بروز می‌دهد و این عکس‌العمل‌ها، کنش‌ها و اعمال مبین شخصیت، طرز تفکر و تلقی شخص محسوب شده و افراد در جامعه اصولاً با چنین معیارها و ملاک‌هایی مورد سنجش قرار می‌گیرند. رفتار انسان مبین سلوک و نحوه برخورد او با مسائل و وقایع خارجی است و این کنش‌ها برخاسته از طرز تلقی او نسبت به محیط اطراف و موضوعات پیرامونی است. رفتارهای نامتعارف و سوئی که باعث آزار و صدمه رساندن به دیگران می‌گردد بر تمامی افراد جامعه تأثیر یکسان و برابر نداشته و برای همه به یک میزان خطرآفرین نیستند.

۲-۱. مصادیق سوء رفتار

کودکان و نوجوانان به دلیل شرایط و وضعیت خاص سنی و جسمی، در صورت مواجهه با سوء رفتارها، در معرض بیشترین آسیب‌ها و صدمات قرار می‌گیرند. این‌گونه اعمال بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی و بنابر نوع و میزان صدماتی که بر کودکان وارد می‌نمایند متفاوت بوده و بر همین مبنا نیز واکنش جامعه و به تبع آن واکنش قانون‌گذار را به دنبال دارند. سوء رفتارها می‌توانند برخاسته از عمد و سوءنیت عامل و یا مسامحه و سهل‌انگاری او در انجام وظیفه و یا نگهداری از کودکان باشد. پس می‌توان سوء رفتار با کودکان را این‌گونه تعریف کرد: سوء رفتار عبارت است از انجام یا مسامحه در هر عملی که منجر به صدمه رساندن به کودک و ایجاد مشکلات بهداشتی او شود یا آسایش و سلامت او را مختل سازد. لذا این‌گونه اعمال که تمامیت جسمانی، روانی، بهداشتی و آسایش کودکان را مختل می‌سازند حمایت کیفری قانون‌گذار را طلب کرده تا از کودکان به نحو مطلوب‌تری دفاع و پشتیبانی صورت پذیرد. پس در آن صورت سوء رفتارها جرم یا بزه بوده که مرتکب آن سزاوار مجازات خواهد بود (روشن‌فر، ۱۳۸۵، ص ۴).

مصادیق مهم سوء رفتار با کودکان، برابر آنچه که در لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده است شامل موارد زیر می‌باشد:

الف) جلوگیری از تحصیل اطفال و نوجوانان

ب) بی‌توجهی و سهل‌انگاری نسبت به اطفال و نوجوانان منتهی به فوت یا صدمات یا نقصان یا جراحت یا ...

ج) آزار یا سوء استفاده جنسی نسبت به طفل یا نوجوان

د) فراهم کردن یا تسهیل موجبات ارتکاب به خودکشی طفل یا نوجوان

ه) بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان بر خلاف مقررات قانون کار

علاوه بر موارد بالا، همان‌گونه که بیان گردید هر اقدام دیگری نیز که تمامیت جسمانی، روانی، بهداشتی و آسایش کودکان را مختل سازد مشمول عنوان سوء رفتار با کودکان خواهد بود؛ مانند تنبیه بدنی کودکان و ... که علاوه بر این لایحه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سایر قوانین، برای آنها مجازات پیش‌بینی شده است.

۱-۳. تفاوت سوء رفتار و کودک‌آزاری

پیشتر در کتاب‌های فقهی و حقوقی و برخی قوانین دیگر، اصطلاحات «تنبیه»، «کودک‌آزاری» و ... استفاده شده بودند اما هیچ‌یک جامع و مانع نبودند. لکن اصطلاح اخیر که می‌توان آن را از ابداعات خوب قانون‌نویسان لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان دانست، اصطلاحی جامع و مانع است و تمامی آن اصطلاحات را در خود پوشش می‌دهد. هر چند اصطلاح «کودک‌آزاری» نیز اصطلاحی جامع است و در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ در ماده ۵ آن مورد اشاره قرار گرفته است اما اصطلاح «سوء رفتار» یک فرق اساسی با آن می‌تواند داشته باشد. به نظر نگارنده، از اصطلاح «کودک‌آزاری» بیشتر آزارهایی که نمود خارجی دارند همچون ضرب و جرح، سوء استفاده جنسی و ... به ذهن متبادر می‌شود اما اصطلاح «سوء رفتار»، علاوه بر این که آزارهای خارجی را پوشش می‌دهد، آزارهای روانی و روحی را نیز دربر می‌گیرد. برای مثال، قهر خارج از حد پدر و مادر با فرزند را شاید نتوان کودک‌آزاری دانست ولی این را می‌توان یک رفتار سوء به حساب آورد.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ تعریفی از جرم کودک‌آزاری ارائه نداده است، اما پس از آن که در مواد ۱ تا ۴ این قانون به بیان مجازات‌های اذیت و آزار

کودکان، خرید و فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به‌منظور ارتکاب خلاف و صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان پرداخته، در ماده ۵ این قانون بیان داشته است که «کودک‌آزاری از جرایم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد». اشاره به کودک‌آزاری در این ماده و وحدت سیاق مواد قبل نشان از آن دارد که مقنن، موارد پیش‌گفته را کودک‌آزاری دانسته است و این یک ایراد بزرگ برای قانون مهمی چون حمایت از کودکان و نوجوانان می‌باشد که تعریف مشخصی از اصطلاح به‌کار رفته در خود ارائه نداده است و خوشبختانه لایحه فعلی توانسته است که در این مورد به‌خوبی عمل کرده و پیش از ورود به مباحث، اصطلاحات به‌کار رفته در خود را تعریف نماید.

همچنین، مواد ۷ تا ۲۷ لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان که درصدد بیان جرایم و مجازات‌ها است به بیان جرایم متعددی پرداخته است که به‌طور کلی همه آنها را می‌توان از مصادیق سوء رفتار با کودکان دانست.

۲. سوء رفتار با کودکان در فقه

۲-۱. مبانی فقهی عدم سوء رفتار با کودکان و نوجوانان

قاعده «لاضرر» یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی است که در ابواب مختلف فقه کاربردهای فراوانی دارد و در این خصوص، یکی از مهم‌ترین بحث‌ها، حقوق کودکان است و یکی از دلایل مهم بر حجیت قاعده لاضرر آیه‌ای از کلام‌الله مجید در خصوص کودکان می‌باشد که می‌فرماید: «لَا تُضَارُّ وَالِدَةَ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ» (بقره/۲۳۳) و مادر و پدر را از ضرر زدن به کودک نهی می‌دارد و به این ترتیب به پدر و مادر که اولین نگهدارندگان کودکان هستند توصیه می‌کند که به کودک خود هیچ ضرری نرسانند.

اهمیت قاعده لاضرر به‌عنوان یکی از قواعد اساسی و بنیادین به‌اندازه‌ای است که در بیشتر ابواب فقهی از عبادات گرفته تا معاملات مورد استناد و استفاده قرار می‌گیرد. در حوزه کودکان نیز با توجه به صراحت آیه قرآنی، این قاعده یکی از مهم‌ترین مبانی برای حمایت از کودکان و نوجوانان بالأخص عدم سوء رفتار با آنان می‌باشد.

حدیث «لاضرر و لاضرار» در حدّ تواتر به‌اثبات رسیده است (انصاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۳) و از طریق اهل سنت نیز وارد شده است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۴۲۶).

قدر متیقن این است که ضرر زدن به خود و یا به دیگری در اسلام نفی شده است و همچنین حکم ضرری در شریعت جعل نشده است. مرجع در تعیین ضرر و ضرار، عرف است. در مواردی که نتوانیم ضرر را تشخیص بدهیم به عرف مراجعه می‌کنیم. اگر عرف یک امری را ضرر ندانست، قاعده «لاضرر و لاضرار» آن را نمی‌گیرد و ارتکاب آن نیز حرام نمی‌باشد و البته این در جایی است که ما دلیلی از طرف شارع برای تفسیر و توسعه و تضییق ضرر نداشته باشیم. ولی اگر دلیل خاصی داشته باشیم که یک امری را ضرری بدانند، به عرف مراجعه نمی‌شود.

مفاد قاعده لاضرر و حدیث معروف «لاضرر و لاضرار» آن است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و این عدم مشروعیت مطلق بوده و مرحله تشریح و اجرای قواعد و قوانین را شامل می‌گردد. به عبارت دیگر، پیامبر (ص) ضرر را در مرحله تشریح منتفی می‌داند و در مرحله روابط بین افراد اجتماع نیز اگر کسی به دیگری ضرری وارد کرد مورد امضای شارع نخواهد بود. به تعبیر یکی از حقوقدانان: اولاً کلمه «لا» در جمله لاضرر و لاضرار نافیه است نه ناهیه و ثانیاً اختصاصی به ضرر شخصی ندارد بلکه نسبت به ضرر نوعی عام و شامل بر نفی ضرر عمومی و نوعی است و در احکام اولیه اسلام به‌طور کلی این اصل یعنی عدم زیان عامه رعایت گردیده و همچنین نیز در روابط اجتماعی مردم هرگونه اقدام زیان‌کارانه مورد امضای شرع مقدس نمی‌باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۳، ج ۱، صص ۲۲۵ و ۲۲۴).

۲-۲. سوء رفتار از طریق تنبیه بدنی

یکی از زیرشاخه‌های سوء رفتار بحث تنبیه کودکان و نوجوانان است که در منابع اسلامی بحث‌های متعددی درباره آن شده است و برخی از نویسندگان تنبیه را تاحدودی جایز دانسته‌اند و در واقع آن را تا حدی که موجب صدمه به کودک نشود و به‌جهت تربیت کودک باشد سوء رفتار ندانسته‌اند. لذا لازم است که در این قسمت بحث مختصری در موضوع تنبیه بدنی داشته باشیم.

۲-۲-۱. تعریف تنبیه بدنی

تعریف تنبیه بدنی، از نظر لغوی روشن بوده و به‌طور کلی به هرگونه صدمه یا آسیب یا ضربه فیزیکی (جسمانی) به یک شخص، به‌عنوان نتیجه یک سوء رفتار که جنایی یا غیره محسوب می‌گردد، تنبیه گفته می‌شود (حسینی‌خواه، ۱۳۸۹، ص ۴۴).

۲-۲-۲. تنبیه بدنی از دیدگاه فقهی

در ابتدای این بحث این پرسش مطرح می‌شود که چه ضرورتی برای تنبیه وجود دارد و اصل اولی در باب تنبیه کودکان چیست؟

در پاسخ باید گفت: اصل و قاعده اولی در باب تنبیه کودکان این است که در اسلام تنبیه بدنی کودک جایز نبوده و به‌عنوان عملی ممنوع محسوب می‌شود؛ چرا که خداوند متعال همه انسان‌ها را آزاد آفریده است و کسی را بر دیگری تسلط نیست. علاوه بر آن زدن دیگری، ایذاء و اذیت و ظلم به او محسوب می‌شود که در شرع مقدس اسلام مورد نهی قرار گرفته است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل/۹۰)؛ یعنی همانا خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد و به بذل و بخشش خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می‌کند، باشد که موعظه خدا را بپذیرید (حسینی‌خواه، ۱۳۸۹، ص ۸۳).

روشن است که یکی از مصادیق ظلم، آزار و اذیت دیگران است و کتک زدن اشخاص از بارزترین افراد آن به‌شمار می‌رود.

کتک زدن و اذیت و آزار دیگران در روایات نیز به‌عنوان عملی ممنوع بیان شده است، به‌طوری که برخی از روایات آن را جنگ با خدا و کفر می‌دانند. ابن‌ابی عمیر از معاویه بن عمار نقل می‌کند که از امام صادق (ع) درباره آیه شریفه «وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ» (حج/۲۵) سؤال کردم، حضرت در پاسخ فرمودند: «هر ظلمی الحاد است و زدن خادمی که گناه نکرده، از این الحاد است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۲۸ و حر عاملی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۴۱).

حضرت امام صادق (ع) در این روایت، کتک زدن خادمی را که مرتکب هیچ گناهی نشده، الحاد و شرک می‌داند. بنابراین، زدن کودکی که وسیله‌ای برای دفاع از خود ندارد به‌طریق اولی الحاد و شرک خواهد بود.

همچنین امام صادق (ع) از امیرالمومنین (ع) و آن حضرت نیز از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «آگاه باشید! کسی که به صورت مسلمانی سیلی بزند، خداوند در روز قیامت استخوان‌هایش را خرد می‌کند و با دست و پای بسته وارد صحرای محشر می‌شود تا داخل دوزخ گردد، مگر این که توبه کند» (شیخ صدوق، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۵ و حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۲).

اما برخی دیگر از نویسندگان، به این پرسش که آیا اسلام اصل تنبیه را می‌پذیرد، پاسخ مثبت داده و بیان می‌دارند: اسلام، در سیستم تربیتی خود، اصل تنبیه را به‌عنوان آخرین روش تربیتی پذیرفته است، به این معنا که وقتی مربی، تمامی روش‌های تربیتی را نسبت به تربیت‌شونده اعمال کرد ولی در تقویت یا تضعیف یا تعدیل رفتار موفق نشد، اصل تنبیه، ضرورت خود را می‌یابد.

وجود جهنم و عذاب آخری مجرمین در آیات قرآنی، دلیل متقن و روشنی است که اسلام اصل تنبیه را قبول کرده است. همین‌طور وقتی قرآن می‌گوید که ما قوم عاد و قوم سبأ و قوم ثمود را عذاب کردیم و ... و این که اسلام جنگ با کفار را مطرح می‌کند، بیان‌گر این است که تنبیه را به‌صورت یک اصل برای پشتوانه امنیت، آسایش و آزادی پذیرفته است و این امری طبیعی است که وقتی اعتقاد، شرف و حیثیت یک ملت، از جانب دیگران مورد خطر قرار گیرد، اصل تنبیه متجاوز ضرورت خود را می‌یابد. از طرفی اسلام برای این که صلح را بر جهان حاکم کند و فتنه‌هایی که بیشتر جنبه روانی دارند و از قتل نیز بالاترند را از بین ببرد، تنبیه را به‌صورت یک اصل مطرح نموده است (فرقانی، ۱۳۸۷، ص ۳۴).

۲-۲-۳. تنبیه بدنی در قوانین

قانون مدنی، حضانت و نگهداری را تکلیف والدین دانسته و آنها را موظف و مکلف به انجام این امر نموده است و در مقابل نیز اطاعت از والدین را تکلیف هر طفلی می‌داند و در این رابطه ماده ۱۱۷۷ این قانون مقرر داشته است: «طفل باید مطیع ابوی خود بوده و در هر سنی که باشد باید به آنها احترام کند». از آنجایی که همیشه به‌وسیله منطق نمی‌توان کودک را وادار به اطاعت نمود، در مواردی نیز تنبیه ضرورت دارد. بنابراین، ماده ۱۱۷۹ ق.م.مقرر داشته است: «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند، ولی به‌استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب تنبیه نمایند» (کاهانی و توفیقی، ۱۳۷۵، ص ۷۶).

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز به‌موجب بند ت ماده ۱۵۸ این قانون، در بیان ارتکاب رفتارهایی که قابل مجازات نمی‌باشند «اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به‌منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود، مشروط بر این که اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد» را قابل

مجازات ندانسته و در واقع تنبیه را تا حدودی پذیرفته است.

۲-۲-۴. جواز یا عدم جواز تنبیه بدنی؟

همان گونه که مشاهده گردید مبانی فقهی ما تقریباً مخالف تنبیه می‌باشند ولی در مبانی حقوقی، قوانین موجود تنبیه را تا حدودی جایز دانسته‌اند. علی‌ای حال، لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان به مبانی فقهی نزدیک‌تر بوده و تنبیه را تحت عنوان کلی سوء رفتار، غیرمجاز دانسته است.

۳. سوء رفتار با کودک در اسناد بین‌المللی

حمایت از حقوق کودک به‌عنوان دغدغه‌ای جهانی طی چند دهه اخیر مورد توجه دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. همچنین، چالش‌هایی مانند بروز مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی، خشونت‌های گسترده، قاچاق انسان، استثمار جنسی، سوء رفتار و بهره‌کشی اقتصادی طی سال‌های اخیر موجب نقض گسترده و شدید حقوق کودکان مانند حق حیات، حق سلامت، حق آموزش و ... شده است.

در این راستا، اسناد متعددی برای حمایت از کودکان و نوجوانان توسط مجامع و نهادهای بین‌المللی تصویب شده است که این اسناد بین‌المللی در حوزه حقوق کودکان بیشتر به صورت کلی به حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان توجه کرده‌اند و به بیان موارد مصداقی کمتر پرداخته‌اند و توجه به موارد مصداقی و تشریح حمایت‌های حقوقی و کیفری از حقوق کودکان را به قوانین داخلی کشورها واگذار کرده‌اند.

از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد در بند ب ماده ۲۵ بیان داشته است: «هر کودک خواه حاصل زناشویی قانونی باشد یا غیرقانونی، از حمایت اجتماعی برابر برخوردار می‌گردد». مفهوم کلی این بند آن است که سوء رفتار با کودکان ممنوع می‌باشد. اما در برخی از اسناد به مصداقی از آن اشاره شده است که در ادامه به آن اسناد اشاره می‌گردد.

۳-۱. سوء رفتار در پیمان‌نامه حقوق کودک

همان گونه که بیان شد مبحث سوء رفتار با کودکان هم به صورت کلی از روح کلیه اسناد بین‌المللی مرتبط با حوزه کودکان و نوجوانان و حقوق بشر برداشت می‌گردد، ولی در برخی اسناد به طور ضمنی یا به صورت اشاره به آن پرداخت شده است. از جمله در

پیمان نامه حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بند ۱ ماده ۱۹ آن دولت‌های عضو را به حمایت از کودکان در برابر همه شکل‌های خشونت از جمله سوء رفتار توصیه نموده و بیان داشته است: «دولت‌های عضو همه اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل خواهند آورد تا از کودک در برابر همه شکل‌های خشونت جسمی یا روانی، صدمه یا آزار، بی‌توجهی یا رفتار توأم با سهل‌انگاری، سوء رفتار یا بهره‌کشی از جمله سوءاستفاده جنسی، در حین مراقبت توسط والد (یا والدین)، سرپرست (یا سرپرستان) قانونی یا هر شخص دیگری که عهده‌دار مراقبت از کودک است، حمایت کنند».

۲-۳. سوء رفتار در میثاق حقوق اسلام

مسائل مربوط به رفاه و حمایت از کودکان اولین بار در سطح کنفرانس سران در ششمین اجلاس در سال ۱۹۹۱ در سنگال به ابتکار رئیس‌جمهور این کشور و همچنین جمهوری اسلامی ایران و بنگلادش مطرح شد. پس از آن، در بیست و دومین اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان در کازابلانکا مراکش، در دسامبر سال ۱۹۹۴ طی قطعنامه‌ای «اعلامیه مراقبت و حمایت از کودک در جهان اسلام» تصویب شد. در این اعلامیه، به تدوین برنامه عمل و برنامه ملی، تهدیدات علیه کودکان مانند جنگ، قحطی، مخاصمات و ... لزوم تدوین سندی جامع برای حمایت از کودکان در جهان اسلام، اصلاح قانون اساسی کشورها در راستای حمایت از کودکان و نیز حقوق خانواده، جنین، نوزاد و حقوق اجتماعی، فرهنگی و معنوی کودک اشاره شد. مطابق ماده ۹ اعلامیه، حقوق کودکان در شرایط خاص، کودکان پناهنده، زندانی، کودکان معلول، کودکانی که در جنگ یا بلایای طبیعی به سر می‌برند و کودکان کار و بی‌وطن نیز مورد حمایت ویژه قرار دارد.

در نهمین اجلاس سران در دوحه در سال ۲۰۰۰، نگرانی‌های مربوط به کودکان پناهنده و بازگشت ایشان به وطن، عدم مشارکت دادن کودکان در مخاصمات مسلحانه، حمایت از کودکان در مقابل آسیب‌های ناشی از وسایل ارتباط جمعی، کارهای زیان‌بار و حق بهره‌مندی کودکان از بیمه‌های اجتماعی مورد تأکید قرار گرفت.

همچنین، در قطعنامه دهمین اجلاس سران با عنوان «دانش و اخلاق برای پیشرفت امت اسلام» در مالزی در سال ۲۰۰۳، در بند ۵ آن، تدوین طرح اولیه میثاق حقوق

کودک در اسلام توسط گروه کارشناسان پیشنهاد شد. در سی و دومین اجلاس وزرای سازمان کنفرانس اسلامی در ژوئن ۲۰۰۵ در صنعا (یمن) نیز میثاق حقوق کودک در اسلام به تصویب رسید. در مواد مختلف این میثاق ضمن توجه به حمایت از کودکان و نوجوانان و احترام به مهم‌ترین حقوق کودکان همچون حق آزادی عقیده و بیان، حق حریم خصوصی، حق آزادی تجمع، حق آموزش و پرورش، حق برخورداری از استاندارد زندگی و حق سلامت، در ماده ۱۷ آن مصادیقی از سوء رفتار با کودکان احصاء شده که نیازمند حمایت از کودکان در مقابل آن موارد است که به شرح زیر بیان گردیده است:

- ۱- استفاده نامشروع از مواد مخدر، مسکرات و مواد مضر یا مشارکت در تولید، ترویج یا داد و ستد آنها؛
- ۲- تمامی اشکال شکنجه، مجازات تحقیرآمیز یا غیرانسانی در تمامی وضعیت‌ها و حالت‌ها یا قاچاق، ربودن یا داد و ستد او؛
- ۳- تمامی اشکال سوء استفاده بویژه سوء استفاده جنسی؛
- ۴- تهاجم فرهنگی، ایدئولوژیکی، اطلاعاتی و ارتباطاتی که با شریعت اسلامی یا منافع ملی کشورهای عضو تناقض دارد؛
- ۵- حفاظت از کودکان به واسطه عدم درگیرکردن آنها در منازعات مسلحانه یا جنگ‌ها.

۴. سوء رفتار با کودکان در فصل جرایم و مجازات‌های لایحه حمایت از اطفال و

نوجوانان

همان‌گونه که گفته شد، تمامی جرایم علیه کودکان و نوجوانان را می‌توان از مصادیق سوء رفتار دانست، اما برخی از آنها به جهت ماهیت و مبانی، از اهمیت بیشتری برخوردارند که مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۴-۱. جلوگیری از تحصیل کودک و نوجوان

تحصیل به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق انسانی هر شخص بوده و هم در روایات متعددی از اولیای الهی و هم در بسیاری از قوانین حقوق بشری دنیا بر آن تأکید شده است، خصوصاً که یاد گرفتن در دوران کودکی بسیار با ارزش می‌باشد.

رسول اکرم (ص) در این خصوص می‌فرماید: حکایت کسی که در کودکی می‌آموزد همانند نقش‌گندن بر سنگ است و حکایت کسی که در بزرگسالی می‌آموزد همانند کسی است که بر آب می‌نویسد (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۲۴۹ و ری‌شهری، ۱۳۸۸، ج ۱،

ص ۱۵۶).^۱

حضرت علی (ع) نیز در نامه ۳۱ نهج البلاغه، ضمن سفارش‌هایی به فرزندش /امام حسن (ع) می‌فرماید: «قلب بچه نارس مانند زمین خالی است. هر بذری در آن افشاندن شود، می‌پذیرد. بنابراین، پیش از آن که تربیت پذیریت سخت شده و عقلت به امور دیگر مشغول شود، به تربیت تو مبادرت کردم» (شریف رضی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۲).^۲

همچنین، آن حضرت به پدران و مادران دستور می‌دهد: «فرزندانتان را به آموختن دانش، امر کنید» (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۵۸۴).^۳

لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان نیز به موجب ماده ۷، برای کسانی که از تحصیل کودکان و نوجوانان جلوگیری نمایند مجازات‌هایی را مقرر نموده و بیان داشته است: «هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی اطفال و نوجوانان، مکلفند موجبات تحصیل آنان را فراهم کنند و در صورت استنکاف با وجود فراهم بودن شرایط برای بار اول ملزم به انجام این تکلیف می‌شوند و برای بار دوم به جزای نقدی درجه هفت قانون مجازات اسلامی و برای مراتب بعدی به جزای نقدی درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

تبصره- در صورت عدم تمکن والدین و سرپرستان قانونی به تشخیص دادستان، وزارت آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی کشور مکلفند امکانات لازم را برای تحصیل اطفال و نوجوانان فراهم کنند».

همان‌گونه که بیان شد، تحصیل حق مسلم هر کودک ایرانی است و دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد (اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). بر این اساس، ممانعت از تحصیل کودکان حسب ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ جرم تلقی شده است. اما اولاً، قانون‌گذار در تدوین این قانون و بویژه ماده ۴ آن در مقام بیان تدابیر و ضمانت‌هایی

۱. «مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي صِغَرِهِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ، وَ مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي كِبَرِهِ كَالَّذِي يَكْتُبُ عَلَى الْمَاءِ».
۲. «انما قلب الحدث كالارض الخاليه، ما القى فيها من شيء قبلته، فبادرتك بالادب قبل ان يقسو قلبك و يشتغل لبيك».
۳. «الإمام عليّ عليه السلام: مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلْبِ الْعِلْمِ».

برای جلوگیری از اذیت و آزار کودکان بوده است و از این رو پرداختن به ممانعت از تحصیل فاقد موضوعیت است. ثانیاً، اگر قانون‌گذار قصد حمایت از حقوق کودکان را داشت لازم بود به دیگر حقوق آنان نیز می‌پرداخت و صرفاً به ذکر و حمایت از حق تحصیل بسنده نمی‌کرد. ثالثاً، با وجود قانون وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی، نیازی به وضع قانون جدید نبود. رابعاً، بر فرض متروک شدن قانون مذکور و ضرورت تدوین مقرره‌ای جدید، لازم بود ماده‌ای مستقل به این موضوع اختصاص یابد و طی آن به‌صراحت مشخص می‌شد که مراد از تحصیل چیست؟ آیا مرتکب جرم دارای ویژگی است یا این که هر فردی می‌تواند مرتکب این جرم شود؟ عدم وجود امکانات متعارف در محل زندگی شخص یا فقر اقتصادی متهم یا عدم توفیق کودک در تحصیل، سبب معافیت متهم از مجازات یا سبب عدم تحقق جرم می‌گردند؟ تحصیل تا چه مقطعی موردنظر است؟ آیا فراهم کردن موجبات ترک تحصیل نیز مشمول ماده است؟

به‌نظر می‌رسد که تدبیر قانون‌گذار سال ۱۳۵۳ در تدوین قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی، منطقی، مؤثر و کامل‌تر از مقرر مندرج در ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ است؛ زیرا در قانون سال ۱۳۵۳ مراد از تحصیل به‌صراحت اعلام شده و به فراهم بودن موجبات تحصیل توجه شده است و همچنین، ویژگی مرتکب جرم تعیین گردیده است و مهم‌تر این که هدف نهایی آن بود تا کودک به حق انجام تحصیل نایل گردد؛ زیرا صرف مجازات مرتکب تأثیری در دستیابی کودک به حق از دست رفته‌اش ندارد (ظاهری و موسوی مقدم، ۱۳۸۲، صص ۳۸۹ و ۳۸۸).

ماده ۷ از لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان تقریباً توانسته است این انتقادات وارد بر قانون سال ۱۳۸۱ را پوشش دهد و به‌واقع توانسته است در به‌دست آوردن حق تحصیل کودک تأثیر داشته باشد و همچنین قانون متروک تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی را زنده کرده، چنانکه در تبصره این ماده برای کسانی که مجدداً مرتکب نقض این حق شوند مجازات شدیدتری را در نظر گرفته است.

۴-۲. بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاص نسبت به اطفال و نوجوانان منتهی به فوت یا صدمات یا نقصان یا جراحت یا ...

ماده ۹ لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان در خصوص بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاص

غیر از والدین نسبت به اطفال و نوجوانان منتهی به فوت یا صدمات یا نقصان یا جراحی یا ... چنین مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاص غیر از والدین نسبت به اطفال و نوجوانان نتایج زیر واقع شود، مقصر علاوه بر پرداخت دیه به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف) فوت طفل یا نوجوان حسب مورد به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛

ب) فقدان یکی از حواس یا منافع، قطع، نقص یا از کار افتادگی عضو، زوال عقل یا بروز بیماری صعب‌العلاج یا دائمی جسمی یا روانی و یا ایراد جراحی از نوع جائفه یا بالاتر حسب مورد به مجازات درجه شش قانون مجازات اسلامی؛

پ) نقصان یکی از حواس یا منافع، شکستگی استخوان یا دیگر اعضاء و یا بروز بیماری روانی به مجازات حبس درجه هفت قانون مجازات اسلامی؛

ت) جراحات سر و صورت و یا گردن در صورت عدم شمول هر یک از بندهای (ب) و (پ) به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی؛

ث) آزار جنسی یا عاطفی ناشی از بی‌توجهی و سهل‌انگاری شدید و مستمر حسب مورد به یکی از مجازات‌های درجه هشت قانون مجازات اسلامی.

تبصره- هرگاه بی‌توجهی یا سهل‌انگاری والدین منجر به نتایج موضوع این ماده شود، حسب مورد به مجازات تا حداقل مندرج در بندهای فوق محکوم می‌شوند».

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ نیز در این خصوص در ماده ۲ چنین مقرر کرده است که، «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است». سپس در ماده ۴ همان قانون می‌گوید: «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمده سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد». ضمناً براساس ماده ۵ قانون مذکور، این دسته از جرایم، در زمره جرایم عمومی است و نیازی به شکایت شاکی خصوصی ندارد.

صدر ماده ۹ لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان در اصلاحات اخیر خود والدین را از سایر اشخاص در بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاص نسبت به اطفال و نوجوانان منتهی به

فوت یا صدمات یا نقصان یا جراحت یا ... مستثنی نموده است، در حالی که قانون مصوب ۱۳۸۱ و نگارش اولیه لایحه با عنوان بی احتیاطی و بی مبالاتی و عدم مهارت های منتهی به صدمات، اقدامات والدین و سایر اشخاص را یکسان قلمداد نموده بود، هر چند که تبصره ماده فوق به اقدامات والدین اشاره کرده است و والدین را مشمول حداقل مجازات های این ماده بیان نموده است.

البته براساس ماده ۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ نیز «اقدامات تربیتی والدین در چارچوب ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ و ماده (۱۱۷۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹ از شمول این قانون مستثنی است». اما اصلاحیه فعلی لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان هیچ اشاره ای به این موضوع ننموده است هر چند موضوع در قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی که قوانین عام هستند اشاره شده است و قانون عام بر قانون خاص حاکمیت دارد، ولی بسی سزاوارتر بود که قانون گذار لایحه حمایت در این مورد در خصوص اقدامات تربیتی والدین با صراحت اشاره می کرد، هر چند در فحوائی تبصره که بر شمول حداقل مجازات برای والدین اشاره کرده است، حمایت از اقدامات تربیتی والدین مستتر است.

در این زمینه لازم به ذکر است که در بین مواد ۷ تا ۲۷ این لایحه که به موضوع جرایم و مجازات ها پرداخته است تنها صدر ماده ۹ اقدامات والدین را مستثنی کرده است و در تبصره به آن اشاره نموده است و در سایر مواد یا به صراحت به والدین نیز اشاره کرده است و یا با بیان «هر کسی ...» والدین را نیز در موضوعات مطروحه تحت پوشش قرار داده است.

مستثنی کردن والدین با تبصره این ماده که در صورت بی توجهی و سهل انگاری نسبت به اطفال و نوجوانان منتهی به فوت یا صدمات یا نقصان یا جراحت یا ... به حداقل مجازات محکوم می گردند، به نظر اقدام صحیحی نمی باشد؛ چه این که میزان بی توجهی و سهل انگاری در وقوع فوت یا صدمات تأثیر دارد و ممکن است میزان سهل انگاری والدین با میزان مجازات حداقلی تناسب نداشته باشد. لذا سزاوارتر بود که در این ماده نیز مانند سایر مواد این فصل، والدین و سایر اشخاص در یک میزان مورد سنجش مجازات قرار می گرفتند.

متن نگارش اولیه صدر ماده ۹ لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان به نظر نگارنده بسیار کامل تر از اصلاحیه فعلی بود. متن فوق مقرر می داشت: «هرگاه بی احتیاطی،

بی مبالاتی، عدم مهارت یا عدم رعایت نظامات از سوی والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی کودک و نوجوان یا اشخاصی که مراقبت از کودک و نوجوان را برعهده دارند و یا در امور مربوط به کودکان و نوجوانان فعالیت می‌نمایند، منتهی به نتایج زیر شود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به شرح زیر مجازات می‌شود: ...»

متن فوق ضمن این که به طور کامل موضوع را تشریح نموده و جزئیات آن را بیان داشته است، با معیار بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات، مواردی را که والدین یا سرپرستان قانونی در خصوص تربیت کودک انجام می‌دهند از شمول اذیت و آزار جدا دانسته و با یک بیان کلی، هر نوع اذیت و آزار و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی را در زیرمجموعه یکی از موارد بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات قرار داده و به این سبب موارد دیگر را نیز شامل شده است. از سوی دیگر، با بیان انواع صدمات قابل وقوع که در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ به آن اشاره نشده است اولاً، معیار مجازات هر نوع صدمه را به طور مشخص بیان کرده است و ثانیاً، با بیان این که مرتکب علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، مجازات‌های این ماده را برای حمایت بیشتر از حقوق اطفال و نوجوانان و به عنوان مجازات‌های تکمیلی و متمیمی مقرر کرده است، درحالی که قانون گذار سال ۱۳۸۱ در ماده ۴ با بیان دو نوع مجازات حبس و جزای نقدی، دچار تداخل قوانین شده و امکان جمع آن با سایر قوانین را نفی کرده است.

۳-۴. آزار یا سوء استفاده جنسی نسبت به طفل یا نوجوان

ماده ۱۰ لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان بیان می‌دارد: «هرکس نسبت به طفل یا نوجوان مرتکب آزار یا سوء استفاده جنسی شود، در صورتی که مشمول مجازات حد نباشد با در نظر گرفتن شرایطی مانند وضعیت بزه‌دیده، شرایط مرتکب و آثار جرم، به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

- ۱- آزار جنسی تماسی توسط محارم یا با عنف به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛
- ۲- سایر آزارهای جنسی تماسی به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛
- ۳- آزار جنسی غیر تماسی توسط محارم یا با عنف به یکی از مجازات‌های درجه

هفت قانون مجازات اسلامی؛

۴- سایر آزارهای جنسی غیر تماسی به یکی از مجازات‌های درجه هشت قانون مجازات اسلامی؛

۵- بهره‌کشی جنسی از طفل و نوجوان از طریق عرضه، در اختیار قرار گرفتن، وادار یا اجیر کردن برای هرزه‌نگاری یا سوء استفاده جنسی به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛

۶- در دسترس قرار دادن یا ارائه محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به طفل یا نوجوان به یک یا چند مجازات درجه هشت قانون مجازات اسلامی؛

۷- استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل، حسب مورد به میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر در قانون مربوط؛

۸- واردات، صادرات، تکثیر، انتشار، عرضه، معامله یا بارگذاری محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل که در آنها از اطفال و نوجوانان بهره‌گیری شده و یا حمل و نگهداری آنها به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی؛

۹- برقراری ارتباط با طفل و نوجوان در فضای مجازی به‌منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی».

در نگارش اولیه لایحه، آزار یا سوء استفاده جنسی با اصطلاح «ارتکاب عمل منافی عفت» بیان گردیده بود و به‌طور کلی بیان نموده بود: «هرکس با کودک و نوجوان مرتکب عمل منافی عفت شود، در صورتی که مشمول مجازات حد نباشد، به یک تا سه سال حبس محکوم می‌شود. هرگاه رفتار مرتکب منتهی به صدمه جسمی یا روانی به کودک و نوجوان شود، علاوه بر پرداخت دیه به دو تا پنج سال حبس محکوم می‌شود».

اما در اصلاحیه اخیر به‌خوبی موضوع آزار یا سوء استفاده جنسی مطرح و انواع آن به‌طوری که حتی آزارهای تماسی و غیر تماسی و ارتباطات مجازی و ... به‌طور جداگانه مطرح و مجازات متناسب پیش‌بینی گردیده است.

در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ به‌صراحت به آزار یا سوء استفاده جنسی یا عمل منافی عفت اشاره نشده است بلکه تنها در مواد ۲ و ۴ می‌توان مفهوم آن را در کلماتی مانند صدمه جسمانی یا روانی یا اخلاقی مشاهده کرد. در این ماده اشاره می‌شود که در صورتی که عمل منافی عفت مشمول مجازات حد

نباشد به مجازات مقرر محکوم خواهد شد به این ترتیب این ماده شامل زنا و لواط و ... نخواهد شد. از سوی دیگر با لفظ «هرکس» این پرسش پیش می‌آید که اگر دو کودک با همدیگر عمل زنا را انجام دهند، در این صورت حد بر آنها شامل نمی‌شوند و بایستی براساس قوانین و شرع اسلامی تعزیر شوند، حال آیا بایستی به مجازات این ماده نیز محکوم شوند؟

۴-۳-۱. آزار یاء سواستفاده جنسی با طفل و نوجوان از دیدگاه فقهی

علامه حلی در کتاب «تحریر الاحکام» می‌فرماید: «بر پسر و دختر نابالغ زمانی که زنا کنند حدی نیست بلکه تأدیب می‌شوند» (علامه حلی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۲۳).^۱ شیخ طوسی نیز در کتاب «النهایه» می‌فرماید: «بر پسر و دختر زناکار تأدیب واجب می‌شود» (شیخ طوسی، بی‌تا، ص ۶۹۶).^۲

البته لازم به ذکر است که تأدیب، بر حسب نظر حاکم است و میزان سن کودک نیز در این امر مدخلیت دارد؛ یعنی کودک نزدیک به بلوغ تأدیب و تعزیر او سخت‌تر است از کودکی که فاصله سنی کمتری نسبت به کودک مراقب دارد. همین‌طور زمان و مکان هم در شدت و ضعف تأدیب مؤثر است؛ مثلاً اگر کودکی در ماه رمضان که از ماه‌های مقدّس است زنا کند کیفر و تأدیب او سخت‌تر خواهد بود.

به‌هرحال، فقها جملگی اتفاق نظر دارند که حدی بر کودک نیست بلکه فقط تأدیب می‌شود و دلیل فقهای امامیه بر این مطلب روایاتی است که از ائمه معصومین علیهم‌السلام رسیده است (فرقانی، ۱۳۸۷، صص ۱۶۹ و ۱۶۸).

۴-۳-۲. انواع آزار و سوء استفاده جنسی

یکی از جرایم جنسی که علیه اطفال ارتکاب می‌شود لواط است. در میان جرایم جنسی که علیه اطفال ارتکاب می‌یابند، لواط زشت‌ترین و زیان‌بارترین آنهاست؛ چراکه علاوه بر صدمه‌های جسمانی و روانی وارده بر طفل، خانواده‌ها را از هم می‌پاشد و جامعه را به نیستی می‌کشاند و رذایل اخلاقی را در میان مردم گسترش می‌دهد (فیض، ۱۳۶۹، ص ۲۴۰). یکی دیگر از اعمال منافی عفت با کودکان، پدوفیلی است که در کشور ما در

۱. «لا حدّ علی الصّبی وَ الصّبیّة اذا زینا بل یؤدبا».

۲. «و یجبُ علی الصّبی وَ الصّبیّة التّأدیب».

اصطلاح عامیانه به «بچه‌بازی» معروف است که پیش از این لایحه از نظر قوانین موضوعه صراحتاً جرم به‌شمار نیامده بود و برای اطفال از این حیث حمایت خاصی پیش‌بینی نشده بود، لکن کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ - که جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به این کنوانسیون ملحق گردیده است - در مقام حمایت از اطفال در برابر تمام اشکال سوءاستفاده جنسی من جمله پدوفیلی برآمده و اذعان داشته است که: تمامی کشورهای طرف کنوانسیون متعهد می‌گردند که از کودکان در برابر تمام اشکال سوءاستفاده‌ها و استثمارها در رفتارهای جنسی علیه کودک، حمایت کنند و از هر نوع عملی که موجب اضرار و ایذاء و آزار کودک در جهت سودجویی افراد می‌شود اعم از تماس‌های شهوت‌انگیز، لواط و هر نوع آمیزش غیرقانونی، استفاده از کودکان در فاحشه‌گری، تهیه عکس‌ها و فیلم‌های پورنوگراف، ربودن کودکان، قاچاق کودکان و معامله آنها، سوق دادن آنان به استفاده از مواد مخدر، توزیع و خرید و فروش مواد مخدر، آلوده کردن آنان با مشروبات الکلی و داروهای مخدر و سوءاستفاده جنسی از این طریق، شکنجه و آزارهای جنسی جلوگیری کنند و با شدت و بدون هرگونه ملاحظه اجتماعی یا سیاسی از این مجرمان، آنان را مجازات نمایند.

خوشبختانه قانون‌گذار لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان در تکمیل از کنوانسیون در بندهای ۱ تا ۴ ماده ۱۰ با اشاره به آزارهای جنسی تماسی و غیرتماسی این موضوع را جرم‌انگاری نموده و مجازات‌های متناسب را مقرر داشته است.

همچنین مقنن ایرانی پیش از این و در سال ۱۳۳۹ در قانون مسئولیت مدنی برای اولین بار به مطالبه زیان‌های معنوی ناشی از سوءاستفاده‌های مالی جنسی اشاره نموده است. اما اولاً مصادیق این مطالبات را تبیین ننموده است. لذا در عمل، سازوکار اجرای آن مشخص نمی‌باشد. ثانیاً، صرفاً به بزه‌دیده اناث اشاره شده و در مورد اطفال مذکر سکوت اختیار شده است. به‌موجب ماده ۹ این قانون: «دختری که در اثر حيله یا تهدید و یا سوءاستفاده از زیردست بودن، حاضر به همخوابگی نامشروع شده می‌تواند از مرتکب علاوه از زیان‌های مادی مطالبه زیان‌های معنوی بنماید» (جوانمرد، ۱۳۸۹، ص ۲۴۴).

حال آن‌که لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان، در خصوص کودکان و نوجوانان بدون اختیار، با استفاده از اصطلاح سوء استفاده جنسی در ماده ۱۰ لایحه در واقع علاوه‌بر زیان‌های مادی برای زیان‌های روانی و معنوی نیز مجازات مقرر نموده است، هرچند در نگارش اولیه این ماده صراحتاً زیان‌های روانی و معنوی ذکر گردیده بود و بسی

مناسب‌تر خواهد بود تا در ادامه بندهای این ماده به‌عنوان یک بند یا تبصره نیز به این موضوع به‌صراحت اشاره گردد.

۴-۴. فراهم کردن موجبات ارتکاب به خودکشی کودکان و نوجوانان

ماده ۱۴ لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان بیان می‌دارد: «هرکس به‌هر نحو موجبات ارتکاب به خودکشی طفل یا نوجوان را فراهم آورد یا تسهیل کند و مشمول مقررات حد یا قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به‌ترتیب زیر مجازات می‌شود:

الف) هرگاه رفتار مرتکب، موجب خودکشی منجر به فوت طفل و نوجوان شود، به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛

ب) هرگاه اقدامات مرتکب موجب فوت طفل و نوجوان نشود، ولی منجر به ورود آسیب جسمی یا روانی به طفل و نوجوان شود به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛

پ) هرگاه اقدامات مرتکب مؤثر واقع نشود، به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی.»

قرآن کریم آیات فراوانی در زمینه کودکان دارد و یکی از اموری که می‌تواند مبنای مباحث حقوق کودک باشد و اسلام آن را سال‌ها قبل از اعلامیه جهانی حقوق کودک و کنوانسیون مربوطه بیان کرده، در آیه ۹ سوره نساء خطاب به پدران و مادران بیان شده است. خداوند به آنها گوشزد می‌کند کاری نکنند که موجب بیماری، گرفتاری، عقب‌افتادگی و نگون‌بختی کودکان خود شوند و می‌فرماید: «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»؛ یعنی و آنان که اگر فرزندان ناتوانی از خود بر جای بگذارند، بر آینده آنان بیم دارند، باید از ستم بر یتیمان مردم نیز بترسند. پس باید از خدا پروا دارند و سخنی به‌جا و درست گویند.

در خصوص امر به خودکشی کودک، به‌نظر آیت‌الله خوئی اگر شخصی طفل غیرممیزی را به خودکشی امر کرده و بدین ترتیب طفل به‌قتل برسد امر قصاص می‌شود و اگر طفل ممیزی می‌باشد قصاص نمی‌شود؛ زیرا در این صورت قتل مستند به خود مقتول است (خوئی، بی‌تا، ص ۱۷).

در این خصوص ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اکراه در قتل و یا

دستور به قتل دیگری را مجوز قتل ندانسته است و اگر کسی را وادار به قتل دیگری کنند یا دستور به قتل رساندن دیگری را بدهند مرتکب، قصاص می‌شود و اکراه‌کننده و آمر به حبس ابد محکوم می‌شود.

بهموجب ماده ۳۷۵ قانون یادشده، فراهم کردن موجبات ارتکاب به خودکشی همانند ترغیب کردن به قتل دیگری است. به‌همین سبب است که ماده ۱۴ لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان بیان می‌دارد: «... و مشمول مقررات حد یا قصاص نشود...» که در واقع بهموجب ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی است که مشمول مقررات قصاص می‌شود.

۴-۵. بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان برخلاف مقررات قانون کار

بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان یکی دیگر از مصادیق سوء رفتار است که در ماده ۱۵ لایحه به این صورت برای آن مجازات تعیین شده است: «هر شخصی بر خلاف مقررات قانون کار مرتکب بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان موضوع ماده (۲) این قانون شود، علاوه بر مجازات‌های مذکور در قانون کار به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی نیز محکوم می‌شود».

مقصود از ماده ۲ لایحه نیز مشخص بودن سن هجده سال تمام شمسی برای شمول این قانون است که شامل افراد زیر هجده سال تمام شمسی می‌شود.

بند (ث) ماده ۱ نیز بهره‌کشی اقتصادی را این‌گونه تعریف کرده است: «به‌کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد».

قانون کار نیز در ماده ۷۹ به‌صراحت بیان نموده است: «به‌کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است» و ماده ۸۰ این قانون، کارگر بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام را کارگر نوجوان نامیده و بیان نموده است که «در بدو استخدام باید توسط سازمان تأمین اجتماعی مورد آزمایش‌های پزشکی قرار گیرد». همچنین مواد ۸۱ تا ۸۳ این قانون، شرایط خاصی را برای کارگر نوجوان بیان نموده است و ماده ۸۴ همین قانون، در مشاغل و کارهایی که به‌علت ماهیت آن با شرایطی که کار در آن انجام می‌شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان‌آور باشد، حداقل سن کار را ۱۸ سال تمام مشخص کرده است. مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ قانون کار نیز مجازات‌هایی را برای متخلفان مواد

۸۰ تا ۸۴ بیان نموده است که این مجازات‌ها بر مبنای مزد کارگر تعیین گردیده است. بر این اساس، به صورت کلی به کار گماردن اطفال و نوجوانان زیر ۱۵ سال و در صورت زین‌آور بودن برای سلامتی یا اخلاق برای ۱۵ تا ۱۸ سال نیز ممنوع و جرم بوده و طبق ماده ۱۵ لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان مجازات مشخص گردیده است که علاوه بر مجازات‌های قانون کار اعمال خواهد گردید.

بخشی از بهره‌کشی اقتصادی نیز استفاده از اطفال و نوجوانان در ارتکاب جرم است که در نگارش اولیه لایحه به طور مجزا مورد جرم‌انگاری قرار گرفته بود ولی در اصلاحیه اخیر در فحوای مواد مختلف ممنوعیت این اقدام نیز مشخص می‌باشد.

ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ مقرر می‌دارد: «هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد».

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، جرم بهره‌کشی از کودکان و نوجوانان در اعمال خلاف، در مصادیق خاصی چون تکدی‌گری، با مجازات شدیدتری مواجه بوده است. به عنوان مثال، ماده ۷۱۳ این قانون بیان می‌داشت: «هرکس طفل صغیر یا غیررشیدی را وسیله تکدی قرار دهد ... به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد». از سوی دیگر، بهره‌کشی در ارتکاب جرایم مواد مخدر نیز مجازات خاص خود را دارد.

در خصوص استفاده از کودکان و نوجوانان در ارتکاب جرم، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مواردی بیان شده است، از جمله در ماده ۱۲۸ این قانون آمده است: «هرکس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد. همچنین هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت آن جرم محکوم می‌شود».

ماده ۲۷۲ این قانون نیز در خصوص سرقت بیان می‌دارد: «هرگاه کسی مال را توسط مجنون، طفل غیرممیز، حیوان یا هر وسیله بی‌اراده‌ای از حرز خارج کند مباشر محسوب می‌شود و در صورتی که مباشر طفل ممیز باشد رفتار آمر حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری است».

نتیجه

«سوء رفتار» اصطلاحی جامع است که هم اقدامات بر علیه تمامیت جسمانی کودک و هم اقدامات و رفتارهای والدین بر علیه روح و روان کودک را شامل می‌شود، در حالی که در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ اصطلاح «کودک‌آزاری» صرفاً اقدامات فیزیکی را شامل می‌شود ولی اصطلاح «سوء رفتار»، هم اقدامات فیزیکی و هم اقدامات دیگری که بر روح و روان کودک اثرگذار باشد را شامل می‌گردد.

بر مبنای قواعد فقهی و حقوقی، هرگونه سوء رفتار با کودکان و نوجوانان ممنوع بوده و لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان برای حمایت از کودکان و نوجوانان در برابر سوء رفتار والدین و دیگران مجازات‌های متعددی را در مواد مختلف آن وضع نموده است. بحث سوء رفتار، در مهم‌ترین سند بین‌المللی در مورد کودکان یعنی پیمان‌نامه و همچنین در مهم‌ترین سند کشورهای اسلامی در حوزه کودکان یعنی میثاق حقوق کودک در اسلام نیز به صراحت مورد تأکید قرار گرفته و دولت‌ها را بر حمایت از کودکان و نوجوانان در برابر سوء رفتار والدین و سایر اشخاص امر کرده است.

لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان هم‌راستا با اسناد بین‌المللی و برخاسته از مطالعات فقهی و حقوقی به‌طور ویژه به مبحث سوء رفتار با کودکان اشاره نموده است و با تشریح مصادیق متعدد آن، به مسائل مهم حوزه کودکان و نوجوانان به‌طور کامل اشاره نموده است که با بررسی آنچه که در اسناد بین‌المللی آمده و آنچه که در لایحه حمایت اشاره شده است می‌توان به این نتیجه رسید که لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان بسیار کامل‌تر از اسناد بین‌المللی، مباحث حوزه کودکان را پوشش داده است؛ اما متأسفانه تأخیر در بررسی و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی باعث شده است که در سال‌های اخیر شاهد زیروا گذاشتن حقوق کودکان و نوجوانان و انواع سوء رفتارها با کودکان باشیم.

حال که این لایحه اخیراً (مورخ ۱۳۹۷/۶/۶) از مرحله تصویب در مجلس شورای اسلامی عبور کرده است بایستی منتظر نظر شورای نگهبان باشیم تا با تأیید نهایی و اجرای آن شاهد کارایی آن در برخورد با مجرمین و اشخاصی که حقوق کودکان را زیر پا می‌گذارند باشیم و ثمره آن را در جامعه ببینیم.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. انصاری، مرتضی؛ *فرائد الاصول*، ج ۲، مؤسسة الاعلمی، بیروت، بی تا.
۲. پیوندی، غلامرضا؛ *حقوق کودک*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰.
۳. حر عاملی، محمدبن حسن؛ *وسائل الشیعه*، ج ۹ و ۱۹، دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.
۴. حسینی خواه، سیدجواد؛ *تنبیه کودکان در نظام بین الملل حقوق بشر و فقه امامیه*، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، چاپ اول، قم، ۱۳۸۹.
۵. خوبی، ابوالقاسم؛ *تکمله منهاج الصالحین فی احکام القضاء و الشهادات و الحدود و القصاص و الديات*، مطبع الأدب، بیروت، بی تا.
۶. زحیلی، وهبه؛ *اصول الفقه الاسلامی*، دارالفکر، دمشق، ۱۴۰۶ ق.
۷. شریف رضی، محمد بن الحسین؛ *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، انتشارات پیام مقدس، قم، ۱۳۸۹.
۸. صدوق، محمد بن بابویه؛ *من لا یحضره الفقیه*، ج ۴، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۹. طوسی، محمدبن حسن؛ *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، دار کتاب العربی، بیروت، بی تا.
۱۰. ظاهری، علی رضا و موسوی مقدم، محمد؛ *مجموعه دیدگاه‌های حقوقی و قضایی قضات دادگستری استان تهران و ...*، ج ۳، معاونت آموزش دادگستری استان تهران، ۱۳۸۲.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف؛ *تحریر الاحکام*، مؤسسه امام صادق (ع)، قم، ۱۳۷۸.
۱۲. فاضل لنکرانی، محمد؛ *سیری کامل در اصول فقه*، ج ۱۳، نشر روزنامه فیضیه، قم، ۱۳۸۵.
۱۳. فرقانی، منصور؛ *مبانی فقهی و حقوقی جرائم و تأدیب کودک*، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۷.
۱۴. فیض، علی رضا؛ *تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلامی*، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹.
۱۵. کلینی، ابو جعفر محمدبن یعقوب؛ *الکافی*، ج ۱، اسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.

۱۶. متقی، علی بن حسام‌الدین؛ *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، ج ۱۰ و ۱۶، دارالکتاب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۱۷. محمدی ری‌شهری، محمد؛ *منتخب میزان الحکمه*، ج ۱، مؤسسه علمی و فرهنگی دار الحدیث، قم، ۱۳۸۸.
۱۸. مدنی قهفرخی، سعید؛ *وضعیت کودک‌آزاری در ایران*، انتشارات اکنون، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
۱۹. معین، محمد؛ *فرهنگ فارسی*، نشر سرایش، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۳.
۲۰. موسوی بجنوردی، سیدمحمدحسن؛ *القواعد الفقهیه*، ج ۱، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۳.

ب. مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها

۲۱. جوانمرد، بهروز؛ *بررسی جایگاه حمایت‌های کیفری از کودک در نظام تقنینی ایران و چالش‌های مرتبط با آن*، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۲۰۸ و ۲۰۹، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۲۲۳ تا ۲۶۰.
۲۲. روشن‌فر، عزیز؛ *حمایت کیفری ایران در قبال سوء رفتار با کودکان*، دانشکده حقوق دانشگاه قم، ۱۳۸۵.
۲۳. کاهانی، علی‌رضا و توفیقی، حسن؛ *کودک‌آزاری جسمانی عمدی*، مجله پزشکی قانونی، شماره ۱۰، مهر و آبان ۱۳۷۵، صص ۵۱ تا ۷۷.

Jurisprudential and Legal Surveillance of Child Abuse in the Children and Adolescents Bill and its Status in International Documents

Seyyed Bagher Seyyedi Bonabi*

Seyyed Morteza Mousavitabar**

Received: 3/4/2018

Accepted: 29/8/2018

Abstract

The term "misconduct" is one of the most important innovations in the lawmakers' bill protecting children and adolescents, which covers many acts against the physical, mental and psychological integrity of children and adolescents. The legislator in the bill has tried to give a new insight and explain the related words and terms. Therefore, the first clause of the article deals with the definition of the term "misconduct". Misconduct from the point of view of the bill is "any intentional act or forbearance that endangers the physical, mental, moral, or social health of children and adolescents, such as assault, confinement, sexual misconduct, insult and a threat to the child or adolescent or to place them in difficult and unconventional conditions." Based on this, the importance of evaluating the status of misconduct in jurisprudence and law is of particular importance. Considering the importance of international documents to children's rights, examination of abuses in these documents is also necessary.

Key words: Abuse, Children and Adolescents' Rights, Physical Punishment, Curfew.

*Assistant Professor at Law and Political Science Faculty of Bonab Branch of Islamic Azad University.

b.seyedi@bonabiau.ac.ir

**MA in Jurisprudence and Principles of Islamic Law of Bonab Branch of Islamic Azad University.

musavytabar@gmail.com